

پیامدهای آسیب‌شناختی دوری محل کار از خانه بر فرد

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۰، شماره اول: ۲۶۴-۲۴۹

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

هوشنگ نایبی^۱

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

محمد اسماعیل حاج‌هاشمی

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

پذیرش ۹۲/۹/۱۲

دریافت ۹۰/۱۰/۲۵

چکیده

هدف این مقاله نشان دادن برخی از پیامدهای دوری محل کار از خانه برای کسانی است که فاصله‌ی محل کار تا منزلشان زیاد است و بخش قابل توجهی از شبانه‌روزشان را می‌گیرد و از خصیصه‌های زندگی در کلان‌شهرها در عصر مدرن است. در این مقاله براساس نظریه‌ی زیمل درباره‌ی کلان‌شهرها که پیامدهایی چون دل‌زدگی، شی‌وارگی و فاصله‌ی درونی بین افراد را از پیامدهای زندگی در کلان‌شهرهای مدرن به‌شمار می‌آورد و حضور در گروه‌های کوچک و اولیه را از جمله راه‌های جبران این پیامدها عنوان می‌کند بدین فرض می‌رسیم که چون کسانی که فاصله‌ی محل کار تا محل زندگی‌شان زیاد است فرصت کمتری برای حضور در گروه‌های کوچک و اولیه می‌یابند و در نتیجه پیامدهای مذکور با افزایش زمان رفت‌و برگشت به محل کار تشدید می‌شود. یافته‌های ما براساس پیمایش نمونه‌ای احتمالی (به‌حجم ۴۰۰ نفر) از شاغلین ساکن کرج و مصاحبه‌ی حضوری با آنان مبین صحت نتیجه‌گیرهای مذکور و تأیید تجربی فرضیات تحقیق است.

کلیدواژگان: کلان‌شهر، زمان رفت‌و برگشت روزانه، دل‌زدگی، حضور در گروه کوچک و اولیه، شی‌انگاری، فاصله‌ی درونی.

^۱ پست الکترونیکی نویسنده‌ی رابط: hnayebi@ut.ac.ir

مقدمه

کلان‌شهر به‌زعم بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیشمندانی که درباره‌ی جامعه‌ی مدرن و مدرنیته سخن گفته‌اند اساسی‌ترین فضای مطرح برای مشاهده و بررسی حضور مدرنیته و بالتبع پیامدهای آن است. مفاهیمی چون فردگرایی، انزوا، فاصله‌ی درونی، غلبه‌ی فرهنگ پول، مد، ازخودبیگانگی در تقاضا و مصرف، همسایگی‌های جدید، تکثر، اختلاط، بی‌توجهی، تعدد محرک‌های محیطی و امثالهم همه در کلان‌شهر است که به‌روشنی تجلی می‌یابند. کلان‌شهر با شهر کوچک تفاوت‌های بنیادینی دارد که موضوع بسیاری از بررسی‌ها، تحلیل‌ها و دیدگاه‌ها قرار گرفته است.

موضوع فاصله و پراکندگی در کلان‌شهر که از بحث‌های جامعه‌شناسی مکان است همراه است با دیگر موضوعات منسوب به فضای شهری جدید زیرا بخش عمده‌ای از شرایط حاکم در کلان‌شهر یا ناشی و یا دست‌کم متأثر از شرایط ویژه‌ی مکانی در کلان‌شهر است. حمل‌ونقل در کنار مسکن، کار و گذران اوقات فراغت یکی از چهار عملکرد اساسی شهری قلمداد می‌شود به‌گونه‌ای که زندگی شهری را امروزه بدون آن نمی‌توان تصور کرد (برتو ۱۳۸۳).

تهران هم به‌عنوان بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین کلان‌شهر ایران به‌دلیل تمرکزگرایی حاکم در ایران بیش از شهرهای دیگر ایران تجسم فضای کلان‌شهری است. در تهران به‌دلیل این‌که محدوده‌ی مرکزی بیش از اندازه متمرکز است و به‌تبع آن مقصد بخش قابل توجهی از سفرهای روزانه بخش مرکزی شهر و چند کانون تراکمی دیگر شهر است و از جمله سفر از اطراف تهران مانند کرج به تهران است مسئله‌ی فاصله و حمل‌ونقل خودبه‌خود پررنگ و حائز اهمیت می‌شود. عدم توزیع مناسب مراکز صنعتی و مراکز خدمات اداری، جدی نگرفتن رشد حاشیه‌ها و حومه‌های سکونت‌گاهی و بالتبع نداشتن برنامه‌ریزی برای توزیع مناسب فرصت‌های شغلی و امکانات، مدیریت ناکارآمد در کنترل کانون‌های جمعیتی کنار جاده‌ها و بزرگراه‌های اصلی و به‌دنبال آن کاهش کارایی این جاده‌ها و بسیاری عوامل دیگر سبب شده‌اند که در مجموعه‌ی شهری تهران به‌طور جدی با مسئله‌ی جابه‌جایی و ترافیک و دوری خانه از محل کار مواجه باشیم. این شرایط وضعیتی را ایجاد کرده است که جمعیت کثیری به‌طور متوسط حدود یک‌ششم تا یک‌چهارم ساعات شبانه‌روز خود را در حال جابه‌جایی و یا در انتظار برای جابه‌جایی سپری می‌کنند (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ۱۳۸۲).

وارد شدن فاصله‌ی زمانی چندین ساعته به برنامه‌ی روزانه‌ی افراد تغییرات مشخصی در سبک زندگی فرد ایجاد می‌کند و در پی آن شرایط رفتاری و روانی خاص خود را به فرد تحمیل می‌کند. با وجود مطالعات گوناگونی که درباره‌ی جوانب مختلف اقتصادی، آلودگی، طراحی و برنامه‌ریزی شهری در حوزه‌ی حمل‌ونقل شهری انجام شده است کم‌تر پژوهشی در زمینه‌ی پیامدهای اجتماعی دوری محل کار از خانه صورت گرفته است. این مقاله که برگرفته از پژوهشی در این زمینه است بر آن است بخشی از این شرایط و آسیب‌های اجتماعی ایجاد شده را نشان دهد و در واقع سوال اصلی این مقاله این است که دوری مسافت محل کار از محل سکونت چه آسیب‌های اجتماعی ویژه‌ای برای افراد در پی دارد؟

پیشینه‌ی موضوع

در ایران پژوهش‌های چندانی یا شاید بتوان گفت پژوهشی درباره‌ی این موضوع صورت نگرفته است. در بیش‌تر مقالات انگلیسی هم که به مقوله‌ی رفت‌وبرگشت^۱ پرداخته شده است این مقوله و مسائل آن به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. به این نحو که تأثیر روندهای گسترش کلان‌شهری، طرح‌ریزی‌های شهری جدید، فرهنگ عمومی، زیرساخت‌های جاده‌ای، شرایط حمل‌ونقل عمومی، طرح‌های کنترل جمعیت، سیاست‌های تمرکززدایی از شهرهای بزرگ به حومه و . . . بر مسئله‌ی رفت‌وبرگشت بررسی شده است و در این راستا مقولاتی چون کارایی در رفت‌وبرگشت و رفت‌وبرگشت اضافی^۲ و جز این‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است (مریام ۱۹۹۴، یانگ ۲۰۰۸، هورنر ۲۰۰۲، نائس ۱۹۹۶). در واقع تأثیر الگوهای متفاوت رشد کلان‌شهر و حومه بر تغییرات جمعیتی جغرافیایی و فواصل محل کار افراد از خانه مورد کندوکاو قرار گرفته است. در جایی هم که به تأثیرات انسانی این مسئله فارغ از بحث آلودگی هوا و مصرف سوخت پرداخته‌اند عموماً مفهوم استرس فرد به‌هنگام رفت‌وآمد^۳ در نظر گرفته شده است و در واقع متغیرهای روان‌شناختی افسردگی، نومیدی، ملالت، خستگی و از این قبیل مطرح نظر بوده و مورد سنجش و توصیف واقع شده است و وسایل مختلف جابه‌جایی (وسایل

^۱ commuting

^۲ excess commuting

^۳ commuter stress

عمومی، اتومبیل شخصی، دوچرخه، پیاده) با هم مقایسه شده‌اند (کامسترا ۱۹۹۶، وال ۲۰۰۸، بلومن ۲۰۰۰، مادن ۱۹۸۹، جاریگو ۲۰۰۷).

به‌عنوان مثال در مطالعه‌ی میدانی «تأثیرات رفت‌وبرگشت با اتومبیل بر احساسات و ارزیابی‌های داوطلبانه‌ی شغلی» (ون روی ۲۰۰۶) تأثیرات روانی سفرهای روزانه که با اتومبیل صورت می‌گیرد و رانندگان در آن با ترافیک و ازدحام ماشین‌ها روبه‌رو می‌شوند اندازه‌گیری و تحلیل شده است و در آن تأثیر معنی‌دار طی مسیر در افزایش تشویش و تضعیف روحیه اثبات شده است. در مقاله‌ی «ارزیابی‌های عاطفی رفت‌وبرگشت روزانه» (گیتزلین ۲۰۰۷) هم تأثیرات روانی شیوه‌های گوناگون سفر روزانه (پیاده، با دوچرخه، با اتومبیل، با وسایل نقلیه‌ی عمومی) با هم مقایسه شده و درنهایت توصیه شده است که ماشین‌های خود را کنار گذاریم و به سفرهای با دوچرخه و یا پیاده و درنهایت به وسایل حمل‌ونقل عمومی رویآوریم. در مقاله‌ی «درباره‌ی رابطه‌ی بین رفت‌وبرگشت، علائم استرس، و سنجه‌های نگرشی» (کوسلوسکی ۱۹۹۳) هم به بررسی تأثیر زمان سفر روزانه بر استرس پرداخته شده است.

مبانی نظری

از آن‌جا که زیمل از معدود جامعه‌شناسانی است که به‌طور مشخص به مسئله‌ی کلان‌شهر و فضای کلان‌شهری پرداخته است به‌طوری که فریزبی او را فصیح‌ترین جامعه‌شناس «فرهنگ کلان‌شهری» (۱۹۸۴: ۶۵) می‌نامد و هم‌چنین به‌علت رویکرد خرد زیمل در پدیده‌های منفرد اجتماعی و نیز حضور پررنگ حیات درونی انسان‌ها در تحلیل‌های او که آن را زاده‌ی زمینه‌های مختلف کنش اجتماعی قلمداد می‌کند در این‌جا نظریات زیمل مبنای نظری پاسخ سؤال فوق قرار گرفته است.

جامعه‌شناسی صوری زیمل در مقابل تجربه‌گرایی قرار می‌گیرد. زیمل از داده‌های تجربی استفاده می‌کند اما این داده‌ها از نظر او در واقعیت اجتماعی دارای نقش ثانوی است (ریتزر ۱۹۹۲: ۱۵۶) و درواقع یکی از نیات اولیه‌ی زیمل آن بود که «مقولات بنیادی تجربه» را بررسی کند. گرچه این امر هیچ‌گاه به‌طور کامل محقق نشد، باین‌حال در آثار او ما با تبعاتی درباره‌ی زمان در رابطه با جامعه‌ی مدرن (درباره‌ی ضرباهنگ حیات در کتاب *فلسفه‌ی پول*) و یا اولین تلاش اساسی در مورد جامعه‌شناسی مکان روبه‌رو می‌شویم (فریزبی ۱۹۸۴: ۱۸).

از سوی دیگر زیمل به کاوش درباره‌ی «حیات درونی» افراد پرداخته است؛ حیاتی درونی که زاده‌ی انواع مختلف زمینه‌های کنش متقابل اجتماعی است. بسیاری از این پژوهش‌ها به‌عنوان مختلف زیمل را از جمله نخستین افرادی معرفی می‌کنند که نوعی جامعه‌شناسی عواطف را بسط می‌دهد. مقاله‌ی معروف او درباره‌ی کلان‌شهر تأثیر کلان‌شهر را بر «حیات ذهنی» بررسی می‌کند (فریزبی ۱۹۸۴: ۲۴-۲۰).

از نظر زیمل اساس مدرنیسم جهت‌گیری تاریخی به سوی کلان‌شهر است. در متروپلیس هر فرد تمایل دارد که از چیزی بیگانه شود یعنی یک سرگردانی بالقوه در جامعه. در واقع کلان‌شهر که محصول مدرنیسم است برای زیمل همان نقشی را دارد که دموکراسی برای توکویل و سرمایه‌داری برای مارکس و بوروکراسی برای وبر دارد. از نظر زیمل اساس روان‌شناختی فردگرایی نوع کلان‌شهری تشدید انگیزش‌های عصبی است که از تغییر متوالی و سریع انگیزه‌های درونی و بیرونی نتیجه می‌شود. در کلان‌شهر هیجانات شهر کوچک رو به خاموشی می‌رود و احساسات در کنترل شدید عقل رو به محاق می‌رود. «شخصیت روانی کلان‌شهرها دقیقاً با ویژگی عقلانی توجیهی قابل فهم است درحالی که در برابر آن زندگی شهر کوچک عمیقاً بر احساسات و مناسبات هیجانی تکیه دارد» (ولف ۱۹۶۴: ۴۱۰ به نقل از ابراهیمی، ۱۳۶۶).

زیمل در مقاله‌ی «کلان‌شهر و حیات ذهنی» (۱۹۰۳) محصولات زندگی مدرن را با توجه به سرشت و طبیعت درونی‌شان به پرسش می‌گیرد. در ابتدای مقاله‌ی کلان‌شهر زیمل اظهار می‌کند که «مبنای روان‌شناختی گونه‌ی شخصیتی کلان‌شهری افزایش و رشد حیات عصبی است که از تغییر سریع و بی‌وقفه‌ی محرک‌های درونی و بیرونی ظهور می‌کند» (زیمل ۱۹۰۳: ۵۸).

زیمل برای نخستین بار به‌طور فشرده در کتاب تفکیک اجتماعی ذیل جستار زمینه‌ی احساسات جمعی برآمده از بطن توده‌ها به‌شکلی فشرده و سپس در مقاله‌ی «کلان‌شهر و حیات ذهنی» به‌عنوان مضمون محوری به پدیده‌ی عصبیت^۱ جمعی و هم‌دردی جمعی می‌پردازد. تشدید حیات ذهنی یا عصبی که فرایند اجتماعی^۲ آن را پدید می‌آورد با کثیری از احساسات و محرک‌هایی هم‌بسته می‌شود که در گروه‌ها یا محافل اجتماعی بزرگ‌تر و تفکیک‌یافته‌تر حضور دارند (فریزبی ۱۹۸۴: ۱۵۴).

^۱ nervosity

^۲ sociation

زیمل دل‌زدگی، فاصله‌ی درونی و شی‌انگاری را از مهم‌ترین پیامدهای زندگی در کلان‌شهرها می‌داند و حضور در گروه‌های کوچک و اولیه را عامل تخفیف این پیامدهای آسیب‌شناختی کلان‌شهر به شمار می‌آورد.

دل‌زدگی

زیمل معتقد است: «شاید هیچ پدیده‌ی روانی را بلاشرط نتوان به کلان‌شهر نسبت داد مگر نگرشی که مشخصه‌اش دل‌زدگی^۱ است» (زیمل ۱۹۰۳: ۵۸). او این نگرش را ناشی از این عوامل می‌داند: تحریکات عصبی فشرده، متناقض و به‌سرعت در حال تغییر؛ لذت‌جویی مدام؛ عجز در برابر تحریکات تازه؛ ارزش یک‌نواخت همه چیز. در نظر شخص دل‌زده معنا و ارزش‌های متفاوت اشیا و بنابراین خود اشیا به‌صورت غیرواقعی، یک‌نواخت و در زمینه‌ای خاکستری ظاهر می‌شوند و هیچ شیئی بر دیگری رجحان ندارد (زیمل ۱۹۰۳).

از نظر زیمل کلبی مسلکی از نوعی بی‌اعتنایی به ارزیابی اشیا و امور زاده می‌شود، حال آن‌که نگرش دل‌زده از بی‌اعتنایی به سرشت خود اشیا و امور ناشی می‌شود. در این‌جا عامل تعیین‌کننده نه بی‌ارزش شمردن اشیا و امور به‌طور کلی بلکه بی‌اعتنایی به کیفیات ویژه‌ی آن‌ها است. به‌چشم فرد دل‌زده همه‌چیز ته‌رنگی از بیهودگی و فرسودگی دارد. دل‌زده به همه‌چیز بی‌اعتنا است. چیزی وجود ندارد که نتوان برایش قیمتی تعیین کرد و برعکس، کسی که فکر می‌کند همه‌چیز را می‌توان خرید، ناگزیر دل‌زده می‌شود. برای شخص دل‌زده همه‌ی ارزش‌ها علی‌السویه‌اند. فرد دل‌زده دیگر به درجات و ویژگی اشیا با ذوقی مناسب آن درجات واکنش نشان نمی‌دهد بلکه آن‌ها را در زمینه‌ای هم‌شکل و بی‌رنگ که دارای مراتبی نیست ارزیابی می‌کند (واندنبرگ ۲۰۰۱: ۹۷-۹۴).

فاصله‌ی درونی

یکی از جنبه‌های مهم مکان اجتماعی در نظر زیمل نزدیکی و دوری حسی^۲ میان اشخاصی است که با یکدیگر رابطه دارند. در واقع زیمل بر این باور است که همه‌ی کنش‌های متقابل اجتماعی را می‌توان برحسب نوعی مقیاس نزدیکی یا دوری درجه‌بندی کرد. با این مقیاس فاصله‌ی

^۱ blasé

^۲ sensory

درونی^۱ می‌توان نوعی آگاهی بدوی یا ابتدایی‌تر را به تصور درآورد که قادر نیست رابطه‌ی خود را با آنچه از او دور است درک کند. می‌توان روابط نزدیک همسایه‌ها را در شهرستان‌های کوچک با روابط همسایه‌ها در کلان‌شهرهای امروزی مقایسه کرد که در آن بی‌اعتنایی حاکم است. بر همین اساس می‌توان گفت روابط انسانی میان کسانی که از هم دورند تحول و تکامل فکری بیش‌تری می‌طلبد. هم‌چنین می‌توان به نزدیکی روابط مبتنی بر دوستی، اهمیت فاصله‌ی درونی به‌ویژه در جامعه‌ی مدرن و از این قبیل پی برد (فریزی ۱۹۸۴: ۲۲۰).

زیمل در مقاله‌ی «پول در فرهنگ مدرن» (۱۹۰۴) می‌گوید: «آنچه مردم را از یک‌دیگر بیگانه می‌سازد و آنان را وادار می‌کند فقط به خود متکی باشند جدایی و انزوای از دیگران نیست، بلکه گم‌نامی دیگران و بی‌اعتنایی به فردیت آنان است؛ یعنی داشتن رابطه‌ای با مردم بدون توجه به این‌که در هر مورد خاص چه کسانی هستند» (زیمل ۱۹۰۳: ۳۲۹).

برای محافظت خود از نزدیکی با اشخاصی که از لحاظ اجتماعی بسیار دورند یا از لحاظ خاستگاه فرهنگی متفاوتند ساکن کلان‌شهر حساسیت‌ظواهرش را پشت یک نگرش فاصله‌گیری اجتماعی پنهان می‌کند که ترکیبی از بی‌اعتنایی نسبت به دیگران با اندکی چاشنی بیزاری است. بدون این فاصله گرفتن و دوری نمی‌توانیم در میان جمع زندگی آرامی داشته باشیم. برای زیمل حفظ فاصله‌ی انسان‌ها و اشیا و فرهنگ ذهنیت همانا دو روی متفاوت یک پدیده است؛ زیرا انسان با پنهان کردن خود در پشت یک نمای مدنیت می‌تواند خودش را از فشارهای اجتماعی مصون کرده و آزادی شخصی قابل ملاحظه‌ای کسب کند. این دیالکتیک میان ازخودبیگانگی و آزادسازی معنایش این است که می‌توان مدرنیته را درعین‌حال با توسعه‌ی عینیت‌گرایی و شی‌انگاری و با توسعه‌ی ذهنیت‌گرایی و دنیای درون تبیین کرد (واندنبرگ ۲۰۰۱: ۱۰۹-۱۰۸).

شی‌انگاری

زیمل هم مانند تونیس معتقد است که در گذر از اجتماع (گماینشافت) به جامعه (گزلشافت) روابط اجتماعی غیرشخصی و ابزاری می‌شوند. در جامعه رابطه‌ی اجتماعی دیگر خودانگیخته، عاطفی و شخصی نیست بلکه ساختگی، سرد و کارکردی است. در جامعه زندگی مشترک بیش از پیش صورت ناب «جامعه‌ی بی‌نام» را به خود می‌گیرد. هر شخص بدون آن‌که با تمام

^۱ internal distance

وجودش درگیر باشد دیگری را حامل نقش خاصی که وظیفه‌ی خاصی را به عهده دارد ملاحظه می‌کند؛ یعنی به‌عنوان وسیله‌ای در میان وسایل دیگر که باید در مجموعه‌ی غایت‌شناختی خودش بگنجانند. یکی خدماتش را عرضه می‌کند دیگری بهایش را می‌پردازد و در جایی که هر یک برای دیگری وسیله‌ای بیش نیست همه جایگزین‌پذیر هستند. زیمل بدون آن‌که بخواهد به مفهوم مارکسیستی بت‌وارگی^۱ کالاها ارجاع دهد می‌گوید: «رابطه‌ی میان انسان‌ها به رابطه‌ی میان چیزها مبدل شده است» که تعبیر دیگری از شی‌انگاری^۲ روابط انسانی‌ست: «شی‌انگاری روابط انسانی چنان کامل می‌شود که در اقتصاد توسعه‌یافته کنش متقابل شخصی کاملاً در سایه قرار می‌گیرد، درحالی که کالاها هویت ویژه‌ای کسب می‌کنند. . . . انسان‌ها فقط مجریان روند کالاها هستند. . . انسان حتی وقتی هم که در فرایند منافع شخصی‌اش متعهد می‌شود، درنهایت سهل‌انگار است» (به‌نقل از واندنبرگ ۲۰۰۱: ۱۰۳-۱۰۲).

حضور در گروه‌های کوچک و اولیه

زیمل جبران پیامدهای کلان‌شهر را عمدتاً حضور در گروه‌های کوچک و اولیه می‌داند (فریزی ۱۹۸۴: ۱۵۸-۱۵۶). در جامعه‌شناسی مفهوم «گروه» بر چیزی بیش‌تر از جمعی از افراد دلالت دارد. گروه‌های کوچک چیزی بیش از یک گروه با تعداد اندکی عضوند. در آنان بیش از هر گروه دیگر روابط متقابل انسانی، روابط اجتماعی به چشم می‌خورد. پایه‌ی اساسی چنین گروه‌هایی مناسبات چهره‌به‌چهره است (ساروخانی ۱۳۷۵: ۳۲۹). در گروه‌های اولیه روابط غیرقراردادی و غیرابزاری است و عاطفه، صمیمیت، علاقه‌ی فردی، صمیمیت، و اراده‌ی فردی در آن حضور پررنگی دارد.

فرضیه‌ها

در جایی که فاصله‌ی محل کار تا محل زندگی زیاد است طبعاً امکان کمتری برای حضور در گروه‌های کوچک باقی می‌ماند. پس می‌توان استنتاج کرد که پیامدهای آسیب‌شناختی کلان‌شهرها، دل‌زدگی و فاصله‌ی درونی و شی‌انگاری برای کسانی که فاصله‌ی محل کار تا منزلشان زیاد است افزون‌تر می‌گردد. بدین ترتیب فرضیه‌های ما از این قرار است:

^۱ fetishism

^۲ reification

۱ زمان رفت‌وبرگشت روزانه‌ی فرد با حضور در گروه‌های کوچک رابطه‌ی معکوس دارد.
۲ حضور در گروه‌های کوچک با پیامدهای آسیب‌شناختی کلان‌شهری (دل‌زدگی، فاصله‌ی درونی و شی‌وارگی) رابطه‌ی معکوسی دارد.

مبانی روش‌شناسی

روش تحقیق

در این تحقیق برای آزمون فرضیات از روش پیمایش استفاده کرده‌ایم و تکنیک گردآوری داده‌های ما مصاحبه‌ی ساخت‌مند (تکمیل پرسش‌نامه با مصاحبه) است. جامعه‌ی آماری در این تحقیق شاغلین ساکن کرج و حومه‌ی کرج است. دلیل این انتخاب هم این است که اشتغال جمعیت عمده‌ای از ساکنین شهرستان کرج در بیرون از کرج به‌ویژه تهران است و در واقع بخشی از شاغلین تهرانی ساکن کرج‌اند. تعداد نمونه‌ای در نظر گرفته شده ۴۰۰ نفر است که با روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای دومرحله‌ای انتخاب شده‌اند. در مرحله‌ی اول ۵۰ بلوک (خوشه) به‌طور تصادفی با احتمال متناسب با حجم انتخاب شده سپس در مرحله دوم ۸ نفر شاغل از هر بلوک منتخب.

تعریف عملیاتی متغیرها

برای سنجش دل‌زدگی مهم‌ترین بعد آن یعنی تقلیل همه‌ی ارزش‌ها به ارزش‌های پولی در نظر گرفته شده است (جدول ۱). برای متغیر فاصله‌ی درونی احساس افراد در سه فضای محل کار، محل زندگی و در طول مسیر در نظر گرفته شد (جدول ۲). متغیر شی‌وارگی (شی‌انگاری) روابط انسانی با در نظر گرفتن ابعاد نگاه ابزاری، غفلت از هدف‌های غایی، هوس‌بازی و کالاپرستی و گویه‌های متناسب هر کدام سنجش شده است (جدول ۳). حضور در گروه‌های کوچک و اولیه با در نظر گرفتن ابعاد خانواده، همسایه‌ها، خویشاوندان، انجمن‌ها و شوراهای محلی سنجیده شده است (جدول ۴). درنهایت متغیر زمان رفت‌وبرگشت دربرگیرنده‌ی مدت زمانی است که طول می‌کشد تا فرد یک بار مسیر رفت به محل کار و یک بار مسیر برگشت به خانه را طی کند (جدول ۵). گویه‌های هر یک از این متغیرها در جدول ۱ تا ۵ ارائه شده است.

جدول ۱ ماتریس عملیاتی متغیر دل‌زدگی

گویه	پاسخ‌ها	سطح سنجش
امروزه همه چیز را می‌توان با پول به دست آورد. اگر در کاری سود مالی نباشد نباید انجامش داد. با پول می‌توان طعم هرگونه خوشبختی‌ای را چشید. هیچ چیز به اندازه‌ی پول برای من احترام نمی‌آورد. برای این‌که بقیه به من بیش‌تر احترام بگذارند باید بیش‌تر پول درآورم. در ازدواج باید قبل از هر چیز به پول‌داری طرف مقابل فکر کرد. مهم‌ترین آرزویم در زندگی پول‌دار شدن است. عشق و علاقه را می‌توان با پول خرید. هیچ‌چیزی یا اتفاقی به اندازه‌ی پول درآوردن مرا خوشحال نمی‌کند	۵) کاملاً موافقم ۴) موافقم ۳) نظری ندارم ۲) مخالفم ۱) کاملاً مخالفم	ترتیبی

مقیاس متغیر دل‌زدگی = میانگین ۹ گویه‌ی فوق آلفای کرونباخ مقیاس نسبتاً تک‌بعدی فوق = ۰/۸۷	۱) خیلی کم تا ۵) خیلی زیاد	کمی
---	-------------------------------	-----

جدول ۲ ماتریس عملیاتی متغیر فاصله‌ی درونی

ابعاد	گویه	پاسخ	سطح سنجش
محل کار	در محیط کار خود عموماً چه احساسی نسبت به همکاران خود دارید؟	۵) از آن‌ها بدم می‌آید ۱) به آن‌ها علاقه دارم ۳) هیچ احساسی	ترتیبی
محل زندگی	نسبت به همسایگان و هم‌محلی‌هایتان عموماً چه احساسی دارید؟	همان	ترتیبی
در طول مسیر	نسبت به افرادی که در طول مسیر خانه تا محل کار و بالعکس می‌بینید و هم‌مسیرید عموماً چه احساسی دارید؟ امروزه نباید با آدم‌های دوروبرمان زیاد صمیمی و یکی شویم.	همان	ترتیبی
		۵) کاملاً موافقم ۴) موافقم ۳) بی‌نظری ۲) مخالفم ۱) کاملاً مخالفم	ترتیبی

مقیاس متغیر فاصله‌ی درونی = میانگین ۴ گویه‌ی فوق	۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد)	کمی
--	------------------------------	-----

جدول ۳ ماتریس عملیاتی متغیر شی‌انگاری

ابعاد	گویه	پاسخ	سطح سنجش
نگاه ابزاری	امروزه همه به دنبال اینند که از دیگران به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند. آدم باید با افرادی رابطه برقرار کند که برایش فایده‌ای داشته باشند.	۵) کاملاً موافقم ۴) موافقم ۳) نظری ندارم ۲) مخالفم ۱) کاملاً مخالفم	ترتیبی
غفلت از اهداف غایی	امروزه نباید در روابطمان با دیگران حس دلسوزی به ما دست بدهد. امروزه در روابط بین آدم‌ها به ارزش‌های انسانی توجه نمی‌شود. امروزه کمتر کسی برای زندگی‌اش اهداف متعالی و غیرمادی دارد. آدم برای کمک به دیگری نباید زیاد خودش را به زحمت بیندازد.	۵) کاملاً موافقم ۴) موافقم ۳) نظری ندارم ۲) مخالفم ۱) کاملاً مخالفم	ترتیبی
کالا پرستی	من طرف‌دار مد هستم. آدم‌های امروزه اغلب هوس‌بازند برای این که اطرافیان بیش‌تر به من توجه کنند سعی می‌کنم بیش‌تر چیزهایم منطبق با مد باشد. اتومبیل مدل بالا برای آدم احترام می‌آورد.	۵) کاملاً موافقم ۴) موافقم ۳) نظری ندارم ۲) مخالفم ۱) کاملاً مخالفم	ترتیبی

مقیاس متغیر شی‌انگاری = میانگین ۱۰ گویه‌ی فوق	۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد)	کمی
---	------------------------------	-----

جدول ۴ ماتریس عملیاتی متغیر حضور در گروه‌های کوچک

ابعاد	گویه	پاسخ	سطح
خانواده	در طول شبانه‌روز به‌طور متوسط چند ساعت از وقتتان را با همسر و فرزندانتان می‌گذرانید؟.....(ویژه‌ی (از ۵ به بالا مساوی ۵) متاهلان)	همان	کمی
	در طول شبانه‌روز به‌طور متوسط چند ساعت از وقتتان را در خانه و در کنار خانواده می‌گذرانید؟....(ویژه‌ی مجردان)		کمی
انجمن‌ها و شوراهای محلی	چه قدر در جمع‌هایی مانند هیات مذهبی، باشگاه ورزشی، شوراهای محله یا مسجد، و غیره حاضر می‌شوید؟	۵) خیلی زیاد (۴) زیاد ۳) تا حدودی کم (۲) کم ۱) خیلی کم	ترتیبی
همسایه‌ها	چه قدر با همسایگانتان معاشرت می‌کنید؟	همان	ترتیبی
دوستان	چه قدر با دوستانتان معاشرت می‌کنید؟	همان	ترتیبی
خویشاوندان	چه قدر با اقوام و خویشان دور معاشرت می‌کنید؟ چه قدر با اقوام و خویشان نزدیک معاشرت می‌کنید؟	همان	ترتیبی

مقیاس متغیر حضور در گروه‌های کوچک = میانگین ۶ گویه‌ی ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی کم)	کمی
فوق	زیاد

جدول ۵ ماتریس عملیاتی متغیر زمان رفت و برگشت

گویه	دامنه پاسخ	سطح سنجش
به‌طور متوسط روزانه چند ساعت از وقت شما صرف رفت و آمد روزانه به محل کارتان می‌شود؟ (لطفاً یک رفت و برگشت را حساب کنید)..... ساعت	از ۰ تا ... ساعت	کمی

یافته‌ها

همان‌طور که در جدول ۶ می‌بینیم ضریب هم‌بستگی متغیر زمان رفت‌وبرگشت با حضور در گروه‌های کوچک ۲۹- است و بدان معناست که متغیر مستقل اصلی، زمان رفت‌وبرگشت با حضور در گروه‌های کوچک رابطه‌ی معکوس (منفی) دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش زمان رفت‌وبرگشت از میزان حضور در گروه‌های کوچک کاسته می‌شود. این یافته با فرضیه‌ی اول ما هم‌خوانی دارد، چه همان‌گونه که انتظار می‌رفت در جایی که فاصله‌ی محل کار تا محل زندگی زیاد است فرصت کمتری برای حضور در گروه‌های کوچک به دست می‌آید. سطح معناداری هم که کمتر از ۵ صدم است حاکی از تعمیم‌پذیری نتایج به کل جمعیت (شاغلین ساکن کرج) است.

جدول ۶ ضریب هم‌بستگی متغیر حضور در گروه‌های کوچک با زمان رفت‌وبرگشت

حضور در گروه‌های کوچک		
-.294	Pearson Correlation	زمان رفت‌وبرگشت
.000	Sig. (2-tailed)	
393	N	

جدول ۷ هم نشان می‌دهد متغیر حضور در گروه‌های کوچک با هر سه متغیر دل‌زدگی، فاصله‌ی درونی، شی‌وارگی رابطه‌ی معکوس (منفی) دارد که بدان معناست با کاهش میزان حضور در گروه‌های کوچک اولیه بر پیامدهای آسیب‌شناختی اجتماعی زندگی کلان‌شهری (دل‌زدگی، فاصله‌ی درونی، شی‌وارگی) افزوده می‌شود. این یافته هم تأیید فرضیه‌ی دوم ماست؛ چه در گروه‌های کوچک اولیه است که روابط غیرقراردادی و غیرابزاری شکل می‌گیرد و عاطفه، صمیمیت و علاقه به دیگران دامن می‌گسترند و با کاهش حضور در گروه‌های کوچک حالت‌های متضاد آن، دل‌زدگی و فاصله‌ی درونی و شی‌وارگی پدید می‌آید.

سطح معناداری همه‌ی روابط مذکور نیز کمتر از ۵ صدم است که همان‌طور که اشاره شد حاکی از تعمیم‌پذیری همه‌ی نتایج به کل جمعیت (شاغلین ساکن کرج) است.

جدول ۷ هم‌بستگی بین متغیرها

متغیرها	زمان رفت و برگشت	حضور در گروه‌های کوچک	دل‌زدگی	فاصله‌ی درونی	شی‌انگاری
زمان رفت و برگشت	1 .	-.294(**) .000	.158(**) .002	.139(**) .005	.128(*) .010
حضور در گروه‌های کوچک	-.294(**) .000	1 .	-.158(**) .002	-.337(**) .000	-.178(**) .000
دل‌زدگی	.158(**) .002	-.158(**) .002	1 .	.394(**) .000	.615(**) .000
فاصله‌ی درونی	.139(**) .005	-.337(**) .000	.394(**) .000	1 .	.593(**) .000
شی‌انگاری	.128(*) .010	-.178(**) .000	.615(**) .000	.593(**) .000	1 .

جمع‌بندی

این مقاله را با فرض این‌که زمان رفت و برگشت طولانی شرایط ویژه‌ای را برای افراد ساکن در کلان‌شهر به همراه می‌آورد آغاز نمودیم؛ با این استدلال نظری که زیمل که به‌طور ویژه بر کلان‌شهر و فضا و مکان کلان‌شهر و خصائلی که زندگی در آن به دنبال می‌آورد پرداخته است، یکی از راه‌های کاهش پیامدهای آسیب‌شناختی اجتماعی آن را حضور در گروه‌های کوچک و نخستین خوانده است. از آن‌جا که آن‌هایی که محل کارشان در فاصله‌ی دوری قرار دارد زمان کم‌تری برای حضور در این‌گونه جمع‌ها را می‌یابند لذا این پیامدها بایست برای آنان تشدید شود. زیمل دل‌زدگی، فاصله‌ی درونی و شی‌وارگی را از جمله پیامدهای زندگی کلان‌شهری به شمار می‌آورد. زیمل نگرش دل‌زده را ناشی از تحریکات عصبی فشرده، متناقض و به‌سرعت درحال تغییر، لذت‌جویی مدام، عجز در برابر تحریکات تازه، ارزش یک‌نواخت همه‌چیز و نقش پررنگ پول به‌عنوان یکسان‌کننده‌ی هولناک همه‌ی چیزهای متفاوت می‌داند. درباب فاصله‌ی درونی زیمل معتقد است ساکن کلان‌شهر برای محافظت خود از نزدیکی با اشخاصی که از لحاظ اجتماعی بسیار دور هستند یا از لحاظ خاستگاه فرهنگی متفاوتند، حساسیت ظاهرش را پشت یک نگرش فاصله‌گیری اجتماعی پنهان می‌کند که ترکیبی از بی‌اعتنایی نسبت به دیگران با آمیزه‌ای از بیزاری است. درباب شی‌وارگی زیمل معتقد است که در کلان‌شهر که پول مایه‌ی

یگانگی و حاکمیت است رابطه‌ی اجتماعی دیگر خودانگیخته، عاطفی و شخصی نیست، بلکه ساختگی، سرد، کارکردی، ابزاری، غیرشخصی و از لحاظ عاطفی خنثی است و رابطه‌ی میان انسان‌ها به رابطه‌ای میان چیزها مبدل شده است.

یافته‌های مطالعه‌ی تجربی ما هم نشان می‌دهد که با افزایش زمان رفت‌و برگشت افراد به محل کار از میزان حضورشان در گروه‌های کوچک و اولیه کاسته می‌شود و با کاهش حضور در گروه‌های کوچک و اولیه نیز میزان آسیب‌های اجتماعی دل‌زدگی، شی‌وارگی و فاصله‌ی درونی ساکنین کلان‌شهر افزایش می‌یابد که تأیید فرضیات تحقیق است و به‌نوعی تأییدی تجربی بر نظریه‌ی زیمل در باره‌ی پیامدهای آسیب‌شناختی زندگی مدرن، زندگی در کلان‌شهر است.

کتاب‌نامه‌ی فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سروش.
۲. ابراهیمی، پرچهر. (۱۳۶۶). «بیگانگی به‌همراه بررسی موردی بیگانگی از کار». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران/ دانشکده‌ی علوم اجتماعی.
۳. برتو، آلن. (۱۳۸۳). «ساختار فضایی شهر تهران». *جستارهای شهرسازی، پاییز و زمستان ۱۳۸۳*. شماره‌ی ۱۰ و ۱۱.
۴. ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
۵. ریتزر، جورج. (۱۳۷۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه‌ی احمدرضا غروی‌زاد. تهران: جهاد دانشگاهی.
۶. زیمل، گئورگ. (۱۳۷۲/۱۹۰۳). «کلان‌شهر و حیات ذهنی». ترجمه‌ی یوسف اباذری. *نامه‌ی علوم اجتماعی*. جلد دوم. شماره‌ی ۳. بهار ۱۳۷۲.
۷. زیمل، گئورگ. (۱۹۰۴). «پول در فرهنگ مدرن». ترجمه‌ی یوسف اباذری. *ارغنون*. شماره‌ی ۳. پاییز ۷۳.
۸. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
۹. فریزی، دیوید. (۱۳۸۵). *گئورگ زیمل*. ترجمه‌ی جواد گنجی. تهران: گام نو.
۱۰. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. *مطالعات حمل‌ونقل ترافیک*. مجموعه‌ی شهری تهران. تهران. ۱۳۸۲.

۱۱. مولر، جی. اچ. و دیگران. (۱۳۷۸). *استدلال آماری در جامعه‌شناسی*. ترجمه‌ی هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
۱۲. واندنبرگ، فردریک. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی جورج زیمل*. ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.

کتاب‌نامه‌ی لاتین

1. Blumen, O. (2000) "Dissonance in Women's Commuting? The Experience of Exurban Employed Mothers". *Urban Studies*. Vol. 37. No. 4: 731-748, Sage Publications.
2. Camstra, R. (1996) "Commuting and Gender in a Lifestyle Perspective". *Urban Studies*. Vol. 33. No. 2: 283-300. Sage Publications.
3. Gatersleben, B. and Uzzell, D. (2007) "Affective Appraisals of the Daily Commute Comparing Perceptions of Drivers, Cyclists, Walkers, and Users of Public Transport". University of Surrey, *Environment and Behavior*. Vol. 39 No. 3. May 2007. Sage Publications.
4. Horner, M. W. and Murray, A. T. (2002) "Excess Commuting and the Modifiable Areal Unit Problem". *Urban Studies*. Vol. 39. No. 1: 131-139. 2002. Sage Publications.
5. Jariego, I. M. and Armitage, N. (2007) "Multiple Senses of Community in Migration and Commuting; the Interplay between Time, Space and Relations". *International Sociology*. November 2007. Vol. 22(6): 743-766, Sage Publications.
6. Jiawen, Y. (2008) "Policy Implications of Excess Commuting: Examining the Impacts of Changes in US Metropolitan Spatial Structure". *Urban Studies*. 45(2). 391-405. February 2008. Sage Publications.
7. Koslowsky, M. (1993) "On the Relationship between Commuting, Stress Symptoms, and Attitudinal Measures: A LISREL Application". *The Journal of Applied Behavioral Science*. Vol. 29. No. 4: 485-492.
8. Madden, J. F. and Chen Chiu. L. (1989) "The Wage Effects of Residential Location and Commuting Constraints on Employed Married Women". *Urban Studies*. Vol. 27. No. 3. 1990: 353-369. Sage Publications.
9. Merriman, D., Ohkawara, T. and Suzuki, T. (1994) "Excess Commuting in the Tokyo Metropolitan Area: Measurement and Policy Simulations", *Urban Studies*. Vol. 32. No. 1. 1995: 69-85. Sage Publications.
10. Naess, P. and Sandberg, S. L. (1996) "Workplace Location, Modal Split and Energy Use, for Commuting Trips". *Urban Studies*. Vol. 33. No. 3: 557-580, Sage Publications.
11. Van Rooy, D. L. (2006) "Effects of Automobile Commute Characteristics on Affect and Job Candidate Evaluations; A Field Experiment". *Environment and Behavior*. 2006. 38. 626.
12. Wall, R. and Mill, G. A. (2008) "Interactions Between Perceived Behavioral Control and Personal-Normative Motives, Qualitative and Quantitative Evidence From a Study of Commuting-Mode Choice". *Journal of Mixed Methods Research*. Vol. 2. No. 1. January 2008: 63-86. Sage Publications.
13. Wolf, K. (1964) *The Sociology of George Simmel*. New York. The Free Press.
14. *Encyclopedia of Sociology* (2000) MacMillan Reference Books - Edition 2.